



تیسین اہسامات تاریخ رد فاع مقدر

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

الْعِلْمُ خَزَائِنُ وَمَفَاتِيحُ السُّؤَالِ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ
تُؤْجَرُ أَرْبَعَةٌ، السَّائِلُ وَالْمُتَكَلِّمُ وَالْمُسْتَمِعُ وَالْمُحِبُّ لَهُمْ.



دانش همانند گنجینه‌هایی است که کلیدهای
آنها پرسش است. پس بپرسید- خداوند شما را رحمت کند-
که در این بین چهار تن اجر ببرند:
آنکه می‌پرسد و گوینده و شنونده و دوستدار ایشان.

تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام، ج ۱، ص ۴۱



پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات

یکی از اساسی‌ترین وظایف حوزه‌های علمیه است.





تبیین ابهامات تاریخی دفاع مقدس پرسمان سیاسی (۲۱)

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه
مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی

تبیین ابهامات تاریخی دفاع مقدس

پژوهشگران

حجج اسلام علیرضا مظاهری، روح‌له
جلالی، آقایان وحید کرباسی عامل، احمد
هاشمی و محمد رضا عبدالله پور

ناظر علمی

حسین دهقانی

ارزیاب

حجت‌الاسلام سید ابوالفضل حسینی زاده

ناظر تولید

حجت‌الاسلام جواد مرادی

چاپ اول

شهریور ماه ۱۴۰۴

فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
پیش‌گفتار	۱۲
۱. دولت موقت و تحویل ندادن تسلیحات خریداری‌شده از آمریکا؛ خیانت یا سهل‌انگاری.....	۱۳
۱. نقش دولت بختیار در لغو قراردادهای تسلیحاتی ایران - آمریکا	۱۳
۲. نقش دولت موقت در لغو قراردادهای تسلیحاتی ایران - آمریکا	۱۵
۲. منازعات تاریخی ایران و عراق درباره اروندرود.....	۱۸
۱. ریشه اختلاف مرزی ایران و عراق.....	۱۸
۲. قرارداد ۱۳۱۶ ایران و عراق و نقش آن در اختلاف‌های مرزی	۲۰
۳. برهم‌خوردن قرارداد ۱۳۱۶ و شروع درگیری‌ها.....	۲۱
۳. عوامل حملهٔ صدام به ایران.....	۲۳
۱. رقابت ایدئولوژیکی رژیم بعثی عراق با ایران	۲۳
۲. برقراری حاکمیت مطلق بر اروندرود	۲۴
۳. تجزیهٔ خوزستان از ایران و ضمیمهٔ آن به خاک عراق.....	۲۴
۴. براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران	۲۵
۵. ایفای نقش ژاندارم منطقه	۲۶
۶. رهبری جهان عرب	۲۷
۷. ادعاهای واهی درباره جزایر سه‌گانه ایرانی در خلیج فارس	۲۸
۴. سیاست و عملکرد بنی‌صدر در جنگ.....	۳۰

۱. بررسی سیاست «زمین می‌دهیم و زمان می‌خریم» ۳۱
۲. بررسی اعتقاد بنی‌صدر به تئوری «زمین می‌دهیم و زمان می‌خریم» ۳۲
۳. مستندات تاریخی اعتقاد بنی‌صدر به سیاست «زمین می‌دهیم و زمان می‌خریم» ۳۴
۴. خودداری بنی‌صدر از ارسال تسلیحات برای سپاه پاسداران ۳۶
۵. سقوط خرمشهر و حصر آبادان، نتیجه نابلدی نیروهای سپاه پاسداران یا سیاست‌های بنی‌صدر ۳۷
۵. دلایل و عوامل تداوم جنگ پس از آزادی خرمشهر ۳۹
۱. اهمیت نگرش تاریخی و همه‌جانبه به مسئله جنگ تحمیلی ۴۰
۲. نقش قدرت‌های بزرگ و نهادهای بین‌المللی در طولانی‌شدن جنگ ۴۰
۳. شرایط پذیرش آتش‌بس از سوی جمهوری اسلامی ایران ۴۱
۴. تبیین معنای شعار «راه قدس از کربلا می‌گذرد» ۴۲
۶. خیانت منافقین به ملت ایران در جنگ تحمیلی ۴۵
۱. معرفی اجمالی سازمان مجاهدین خلق ۴۵
۲. زمینه‌های همکاری سازمان منافقین با رژیم بعث عراق ۴۷
۳. مرور اجمالی خیانت‌های سازمان مجاهدین به ملت ایران در جنگ تحمیلی ۴۸
۷. موضع امام خمینی در برابر پیشنهاد صلح و آتش‌بس ۵۲
۱. واکنش امام خمینی (رحمة الله علیه) به پیشنهادهای صلح و توقف جنگ ۵۲
۲. واکنش امام خمینی (رحمة الله علیه) به قطع‌نامهٔ ۵۹۸ ۵۴

۳. تأکید امام خمینی (رحمة الله عليه) بر پرداخت غرامت جنگ تحمیلی

به ایران ۵۶

منابع: ۵۹



مقدمه

مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مفتخر است در طی سالیان متمادی با بهره‌گیری از کارشناسان باتجربه و با رویکرد تخصصی در فرآیند پاسخگویی، میلیون‌ها پرسش از سوی اقشار مختلف جامعه را در رشته‌های مختلف دینی پاسخ گفته است. بخش پاسخگویی مکتوب این مرکز، عهده‌دار تولید محتوای غنی و منطبق با اصول علمی در عرصه پاسخ به سؤالات دینی است که در راستای توصیه مقام معظم رهبری بر آن است تا مجموعه پرسش و پاسخ‌ها را در قالب کتابهای الکترونیکی ارائه کند. این اثر شامل چندین پرسش و پاسخ در موضوع دفاع مقدس است که با عنوان «تبیین ابهامات تاریخی دفاع مقدس» تدوین شده است.

در پایان از حمایت و پیگیری ریاست محترم مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدجواد اصغری و نیز از تمامی افرادی که در انتشار این مجموعه نقش ایفا کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم.

مدیر بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

جواد مرادی



پیش‌گفتار

دوران دفاع مقدس از تلخ‌ترین دوره‌های تاریخی ملت ایران پس از انقلاب اسلامی و با وجود این، مهم‌ترین و مؤثرترین عامل در تثبیت نظام جمهوری اسلامی است. درس‌هایی که ملت ایران از این دوران آموخت، چراغ راهی شد تا مسیر خود را در آینده انقلاب اسلامی بهتر بشناسد و تجربه‌های تاریخی این دوران، راه دفاع از کشور را تا حد زیادی هموار کرد. شناخت تاریخ دفاع مقدس و پاسخ به شبهه‌های مربوط به این دوره، از ضرورت‌هایی است که رهبر انقلاب همواره بر آن تأکید کرده‌اند. این نوشتار، دربردارنده هفت پرسش کلیدی در موضوعات زیر است:

نقش دولت موقت در تحویل‌ن دادن تسلیحات خریداری‌شده از آمریکا؛
اختلاف‌های مرزی ایران و عراق؛

عوامل و انگیزه‌های حمله صدام به ایران؛

سیاست بنی‌صدر در جنگ تحمیلی؛

چرایی تداوم جنگ پس از آزادسازی خرمشهر؛

نقش منافقان در جنگ و موضع امام خمینی (رحمة الله علیه) در برابر پیشنهاد صلح.

کوشیده شده است با اسناد تاریخی و دلایل محکم، به پرسش‌های پیش‌گفته پاسخ داده شود.

حسین دهقانی



۱. دولت موقت و تحویل ندادن تسلیحات خریداری شده از آمریکا؛ خیانت یا سهل انگاری

پرسش:

ماجرای تحویل ندادن تسلیحات و هواپیماهای جنگی خریداری شده قبل از انقلاب به دولت موقت چیست؟ آیا دولت موقت به عمد از تحویل تسلیحات خودداری کرد؟

پاسخ:

رژیم پهلوی در راستای اهداف آمریکا برای تبدیل شدن به ژاندارم منطقه، اقدام به خرید تسلیحات پیشرفته نظامی از جمله ۱۶۰ فروند هواپیمای اف ۱۶، هفت فروند هواپیمای آواکس، دو فروند ناو جنگی، نفربرهای زرهی و دیگر ماشین آلات حمل و نقل و صدها موشک از آمریکا و دیگر کشورها می کند؛^۱ اما با پیروزی انقلاب اسلامی حجم زیادی از این تجهیزات به ایران تحویل داده نشد. دلیل این مسئله چیست؟ و نقش دولت موقت و دیگران در آن تا چه اندازه است؟

۱. نقش دولت بختیار در لغو قراردادهای تسلیحاتی ایران. آمریکا

با شکل گیری انقلاب و اوج گرفتن مبارزات در ماه های پایانی سال ۱۳۵۷ و نیز خروج قدرت از دست طرفداران آمریکا در ایران، آمریکا نگران بود که تسلیحات پیشرفته به دست مسلمانان انقلابی ایران بیفتد؛ از این رو تمام تلاش خود را برای جلوگیری از بروز چنین اتفاقی به کار

^۱ «چه کسانی به تسلیحات ایران چوب حراج زدند؟»، ۱۳۹۶/۱۲/۱۶، سایت جهان نیوز؛ در:



گرفت. برای تحقق این هدف، چند راه پیش-روی دولت آمریکا وجود داشت: الف) لغو یک‌جانبه قراردادهای تسلیحاتی از سوی آمریکا؛ ب) لغو قراردادها طی تفاهم‌نامه‌ای دوطرفه.

اگر آمریکا یک‌جانبه این قراردادها را لغو می‌کرد، هم مجبور می‌شد طبق مفاد قراردادها، غرامت سنگینی به ایران پرداخت کند و هم وجهه بین‌المللی خود را به خطر می‌انداخت؛ از این‌رو بهترین حالت برای دولت ایالات متحده، لغو قراردادها از سوی ایران بود. این کار برای آنها بازی دو سر برد بود؛ زیرا هم از ارسال تسلیحات به ایران و قرارگرفتن آنها در دست انقلابیون جلوگیری می‌کردند و هم ایران به جای آمریکا، موظف به پرداخت غرامت می‌شد. گزینه مناسب برای این کار، دولت دست‌نشانده بختیار بود؛ بنابراین دولت بختیار در بهمن ۱۳۵۷ و تنها یکی - دو هفته قبل از پیروزی انقلاب، با امضای تفاهم‌نامه‌ای قراردادهای خرید بسیاری از تسلیحات را لغو می‌کند.^۱

«آمریکایی‌ها حتی باعث شدند قرارداد خرید زیردریایی از آلمان که مبلغ آن هم از سوی ایران پرداخت شده بود، در زمان بختیار فسخ شود».^۲

۱. عسگری، شاداب، «چرا قراردادهای تسلیحاتی ایران و آمریکا لغو شد؟»، ۱۴۰۰/۱۱/۱۵، سایت مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، در:

<https://psri.ir/?id=elzjaua8>

۲. «مأموریت آمریکا برای دولت بختیار چه بود؟»، ۱۳۹۸/۱۱/۱۹، خبرگزاری تسنیم؛ در:

B2n.ir/s.۳۳۱۲۴



۲. نقش دولت موقت در لغو قراردادهای تسلیحاتی ایران - آمریکا

تا این زمان هنوز دولت موقت سر کار نیامده بود و به طور طبیعی تأثیری در لغو قراردادها نداشت، ولی داستان به همین جا ختم نمی‌شود. دولت موقت بعد از روی کار آمدن دو اقدام تأمل‌برانگیز انجام داد:

الف) دولت موقت تصمیم گرفت قراردادهای مختلف و از جمله قراردادهای نظامی باقی‌مانده را لغو کند. ابراهیم یزدی که ابتدا معاون مهندس بازرگان بود و سپس سرپرست وزارت خارجه شد، در مصاحبه‌ای به تاریخ دوم اردیبهشت ۱۳۵۸ اعلام می‌دارد:

«از مجموعه این قراردادها، مقدار زیادی از آنها نظامی بوده که لغو کردیم؛ مثلاً قراردادهای مربوط به خرید زیردریایی لغو شده و قراردادهای دیگری نیز لغو شده و بقیه قراردادها نیز در دست بررسی است که اینها نیز لغو خواهد شد».^۱

ب) دولت موقت تصمیم می‌گیرد هواپیماهای اف ۱۴ را که پیش از این به ایران تحویل داده شده است، به آمریکا یا هر کشور دیگری بفروشد. هاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای به سال ۱۳۸۲ بیان می‌دارد:

«آقای یزدی و دوستانشان پیشنهاد کردند که اف ۱۴ها را پس بدهیم. می‌گفتند پرهزینه است. ... جنگی که نداریم، بهتر

۱. «دولت موقت کدام قراردادهای ایران و آمریکا را لغو کرد؟»، ۱۴۰۳/۰۲/۰۲، خبرگزاری خبر آنلاین؛ در:



است این هواپیماها را پس بدهیم یا بفروشیم. البته اگر این کار می‌شد، خیانت بزرگی بود»^۱.

این اقدام خائنانه دولت موقت با واکنش شدید افرادی همچون شهید دکتر چمران، مقام معظم رهبری و دیگران مواجه و جلوی آن گرفته می‌شود. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

«اول انقلاب بعضی‌ها می‌خواستند همین اف‌۱۴‌های ما را بفروشند، بنده نگذاشتم؛ مطلع شدم، افشا کردم ... نگذاشتم وقت دیر بشود؛ همان ساعتی که شنیدم، خبرنگار را خواستم و افشا کردم و پخش شد؛ ترسیدند، دست برداشتند»^۲.

همه این اقدامات دولت موقت در حالی بود که اعضای دولت همچون مهندس بازرگان و دکتر یزدی از حمله قریب‌الوقوع عراق به ایران خبر داشته‌اند. لغو این قراردادها از سوی دولت بختیار و دولت موقت نتایج خود را چند ماه بعد در حمله حزب بعث عراق به ایران نشان داد. اگر کشور ایران از این تسلیحات نظامی برخوردار بود، به یقین مسیر جنگ به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد و این اندازه شهید و جانباز نداشتیم. بر

۱. «ماجرای افشاکری آیت‌الله خامنه‌ای/ چه کسی می‌خواست هواپیماهای ایران را بفروشد؟»، ۱۴۰۱/۱۱/۲۶، سایت دیپلماسی ایرانی؛ در:

۲۰۱۷۷۶۷۸۲n.ir/r.۴۰۱۹۱

۲. مقام معظم رهبری؛ «بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی»، ۱۴۰۱/۱۱/۲۶، پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۵۱۹۹۹>



اساس تحلیل برخی افراد، «چه بسا اگر نادانی دولت موقت نبود، شاید جنگی این چنین بر ما تحمیل نمی شد».^۱ با در نظر گرفتن اقدامات دولت موقت در لغو بقیه قراردادهای نظامی که دولت بختیار فسخ نکرده بود و تلاش این دولت برای فروش تسلیحات وارد شده به ایران و نیز توجه به روحیه دولت موقت و اقدامات دیگر آنها، می توان چنین نتیجه گرفت که اگر دولت بختیار هم موفق به لغو قراردادهای کلان تسلیحاتی نمی شد، به یقین دولت موقت چنین کاری را انجام می داد. ناگفته نماند که برخی قراردادهای نظامی همچون قرارداد خرید تانک از انگلیس تا پایان باقی ماند؛ ولی دولت های فروشنده از تحویل آنها به ایران خودداری کردند و سرانجام، در سال های بعد از پیروزی انقلاب مجبور به پرداخت غرامت به ایران شدند.

نتیجه:

تحویل ندادن بخش اندکی از تسلیحات جنگی به ایران به دلیل لغو یک جانبه قراردادهای از سوی فروشندگان آنها بود؛ ولی بخش عمده آنها به دلیل اقدامات خائنانه دولت بختیار و دولت موقت در لغو قراردادهای نظامی بود که هرگز به ایران تحویل داده نشد. بر اساس اسناد تاریخی، دولت موقت نقش مهمی در تحویل نشدن تسلیحات خریداری شده به کشور داشت.

^۱. «فرش قرمز دولت موقت برای صدام/ نقش نهضت آزادی در حمله بعثی ها»، ۱۳۹۹/۰۷/۰۱، خبرگزاری

مهر؛ در:



۲. منازعات تاریخی ایران و عراق درباره اروندرود

پرسش:

ماجرای اروندرود و درگیری‌های ایران و عراق قبل از انقلاب اسلامی و قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر چیست؟

پاسخ:

چند روز قبل از آغاز رسمی جنگ تحمیلی و در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹، صدام حسین - رئیس‌جمهور وقت عراق - در جلوی دوربین‌ها از لغو یک‌جانبه قرارداد سال ۱۹۷۵ میلادی خبر داد که با وساطت الجزایر بین ایران و عراق بسته شده بود و به «قرارداد الجزایر» شهرت داشت. چند روز بعد، تهاجم ارتش بعث عراق به ایران در ۳۱ شهریور و جنگ هشت‌ساله آغاز شد. به با توجه به اینکه بندهایی از این قرارداد درباره مرز آبی ایران و عراق بر اروندرود بود، نقش مهمی در منازعات مرزی دو کشور ایفا می‌کرد؛ از این‌رو لغو یک‌جانبه آن از سوی عراق که منجر به آغاز جنگ هشت‌ساله شد، از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین ضرورت دارد درباره این قرارداد و اختلاف مرزی ایران و عراق بر سر اروندرود، توضیح کافی داده شود.

۱. ریشه اختلاف مرزی ایران و عراق

توجه به این نکته لازم است که درگیری و اختلاف مرزی ایران و عراق محدود به قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۵ میلادی/۱۳۵۳ شمسی و حوادث سال‌های قبل و بعد از آن نیست، بلکه اختلاف مرزی ایران در مرز غربی، ریشه چندصدساله دارد که به دوران صفویه و عثمانی



باز می‌گردد. در واقع اختلاف مرزی عراق با ایران، میراثی برجای مانده از امپراطوری عثمانی برای عراق است که منجر به جنگ‌ها و معاهده‌های مختلفی هم شده است. از جمله قرارداد «الجزایر» که یکی از تلاش‌های متعدد برای حل این اختلاف و مناقشه مرزی بود و البته با شروع جنگ به شکست انجامید. مهم‌ترین بند در توافق‌نامه «الجزایر»، دو بند ابتدایی آن درباره تعیین مرزهاست: «علامت‌گذاری قطعی مرزهای زمینی بر اساس پروتکل استانبول مورخ ۱۹۱۳ و صورت‌جلسات تعیین حدود مرزی سال ۱۹۱۴. تعیین مرزهای رودخانه‌ای بر اساس خط تالوگ».^۱ با توجه به اینکه در این قرارداد «خط تالوگ» معیار تعیین مرز آبی ایران و عراق شناخته شده است و این خط، خطی فرضی در موازات دو کرانه رودخانه است که از عمیق‌ترین نقطه آن گذر می‌کند،^۲ پس حق مالکیت مشترک ایران بر اروندرود برخلاف ادعاهای سال‌های گذشته عراقی‌ها مورد قبول طرف مقابل قرار گرفته است. با این بند یکی از مهم‌ترین و جنجال‌برانگیزترین ادعاهای عراقی‌ها مردود می‌گردد؛ چراکه تا قبل از انعقاد این قرارداد، عراقی‌ها ادعای تسلط کامل بر اروندرود را داشتند که مرز دو کشور را در کرانه ساحل ایران قرار می‌داد و حتی در برهه‌هایی ادعاهایی بر مالکیت عراق بر شهرهای آن سوی اروند نیز مطرح می‌شد که با معیار قرار گرفتن «خط تالوگ» در قرارداد «الجزایر» به کلی منسوخ شده بود. بر این

۱. طالع، هوشنگ، *قرارداد الجزایر و پیامدهای آن*، ص ۷۰.

۲. «خط تالوگ» واژه‌ای آلمانی است که در قوانین بین‌الملل به مفهوم خط میانه آبراه اصلی است که در پایین‌ترین سطح قابل کشتیرانی می‌باشد. اصطلاح فارسی آن «ژرف‌آب» است. تالوگ در کنوانسیون بارسلون (۲۰ آوریل ۱۹۲۱)، قاعده‌ای بین‌المللی برای مرز رودخانه مشترک شناخته شد (طالع، هوشنگ، *قرارداد الجزایر و پیامدهای آن*، ص ۸۲).



اساس، حوادث و شرایط قبل از این قرارداد برای تحلیل آن بسیار مهم و کلیدی است.

۲. قرارداد ۱۳۱۶ ایران و عراق و نقش آن در اختلاف‌های مرزی

همان‌طور که بیان شد، مناقشات مرزی ایران و عراق ریشه‌ای عمیق در تاریخ دو کشور دارد؛ ولی مهم‌ترین حوادث مؤثر بر قرارداد «الجزایر» را باید از سال ۱۹۳۷ میلادی/ ۱۳۱۶ شمسی به این‌سو بررسی کرد. در سال ۱۳۱۶ بین دولت‌های ایران و عراق قراردادی منعقد شد که با عقب‌نشینی ایران از حق خود، خط مرزی ایران در اروند را ساحل طرف ایران قرار داده بود و تسلط ایران بر اروند به عراق واگذار شد و فقط مرز محدوده‌ای از اروندرود که در مقابل بندر آبادان قرار داشت، بر اساس «خط تالوگ» تعیین شده بود.^۱ این قرارداد، قراردادی استعماری به شمار می‌آید و دلیل اصلی آن ترس رضاخان از انگلستان بود؛ زیرا در این زمان انگلستان بر عراق مسلط بود.^۲ در سال ۱۳۳۷ شمسی، کودتایی در عراق شکل گرفت و عبدالکریم قاسم قدرت یافت؛ همچنین با شدت‌گرفتن ناسیونالیسم عربی، شرایط در عراق به شدت بحرانی شد. دولت عراق در این دوره ادعاهای جدیدی مطرح کرد و حتی معیاربودن «خط تالوگ» در قرارداد ۱۹۳۷ میلادی

^۱. «قانون تصویب عهدنامه سرحدی منعقد بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی عراق»، سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/۹۳۴۰۴.%C۲A>

^۲. محتضد، خسرو، «روایتی از فاجعه بخشش اروندرود ایران به عراق توسط رضاشاه»؛ در:

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/.۹۳۴۰۴>



برای محدوده پنجکیلومتری اروند که مقابل بندر آبادان قرار داشت را نپذیرفت؛ همچنین ادعای تعلق خوزستان به عراق را مطرح کرد.^۱

۳. برهم خوردن قرارداد ۱۳۱۶ و شروع درگیری‌ها

در واکنش به ادعاهای زیاده‌خواهانه دولت عراق و مطالبه امتیاز بیشتر از قرارداد ۱۳۱۶ شمسی، دولت ایران هم این قرارداد را مردود دانست و مطالبه تحدید مرز کل اروند بر اساس «خط تالوگ» را مطرح کرد که این واکنش به حجم بحران افزود و منجر به درگیری و جنگ بین دو کشور در سال‌های بعد شد.^۲ این درگیری‌ها در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۳ شمسی/ ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۴ میلادی به اوج خود رسید. در این بین ایران به کمک آمریکا توانست از کردهای عراق استفاده شایانی برای فشار به دولت عراق کند که در نهایت به تضعیف شدید قدرت نظامی عراق منجر شد و عراق را مجبور کرد در سال ۱۹۷۵ به وساطت الجزایر برای توافق با ایران تن دهد و قرارداد «الجزایر» را بر اساس «خط تالوگ» امضا کند^۳ که به نوعی شکست برای عراق بود. اما در سال‌های بعد با تغییر شرایط به‌ویژه وقوع انقلاب اسلامی و خارج شدن ایران از بلوک غرب و آمریکا، رژیم بعثی عراق با مردود دانستن قرارداد «الجزایر»، ادعاهای قبلی را دوباره مطرح کرد و کوشید با حمله به خاک ایران،

۱. درودیان، محمد، جنگ ایران و عراق: موضوعات و مسائل؛ تهران: سمت، ۱۳۹۱ ش، ص ۵۷ - ۵۸.
همچنین سایت خبرآنلاین؛ در:

<https://www.khabaronline.ir/news/۱۷۵۲۴۴۷>

۲. شهیدی، فرزانه، «اختلاف‌های آبی ایران و عراق؛ مسائل و دورنما»؛ خبرگزاری فارس؛ در:
۱۳۹۶/۵/۱۵ <http://fna.ir/RV۴۳FA>.

۳. نایب‌پور، محمد و سیروان خسروزاده، «قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر از زمینه‌ها تا پیامدها»، ص ۴۶ - ۴۷.



خواسته‌های نامشروع خود را از طریق حمله نظامی تحقق بخشد که درنهایت منجر به جنگ تحمیلی هشت‌ساله شد.

نتیجه:

قرارداد «الجزایر» و زمینه‌های آن و مناقشات مرزی ایران و عراق به‌ویژه در موضوع ارونرد نقش بسزایی در شروع جنگ ایران و عراق داشت. گفتنی است این مناقشه ریشه‌ای بلندمدت از دوران صفویه - عثمانی داشت که در سال‌های متمادی به شکل‌های مختلفی بروز یافت و در سال ۱۹۷۵ میلادی، پس از جنگ‌ها و قراردادهای متنوع به قرارداد «الجزایر» منتهی شد؛ اما با لغو قرارداد از سوی عراق در سال ۱۳۵۹ شمسی، جنگ تحمیلی هشت‌ساله آغاز گردید.



۳. عوامل حملهٔ صدام به ایران

پرسش:

عوامل و انگیزه‌های حمله و تجاوز صدام به خاک ایران چه بود؟

پاسخ:

جنگ ایران و عراق، طولانی‌ترین جنگ سده بیستم میلادی پس از جنگ ویتنام بود که از ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ به طول انجامید. این جنگ با مقاومت مردم ایران و هشت سال دفاع مقدس، درنهایت با عقب‌نشینی صدام (دیکتاتور عراق) به پایان رسید. دلایل و اهداف حملهٔ عراق به ایران، انگیزه‌های این حمله و حتی بازیگرانی که از این جنگ سود می‌بردند، پرسش‌هایی است که در ادامه به‌اجمال پاسخ داده خواهند شد.

۱. رقابت ایدئولوژیک رژیم بعثی عراق با ایران

یکی از دلایل صدام برای تجاوز به ایران اسلامی، رقابت ایدئولوژیک با انقلاب اسلامی ایران بود. صدام به ایدئولوژی حزب بعث معتقد بود و قهرمان تحقق آن به شمار می‌رفت. این ایدئولوژی با طرح شعارهایی چون وحدت جهان عرب، سوسیالیسم، ناسیونالیسم عربی و ...، در پی متحدکردن اعراب و جلب توجه آنان به رهبری حزب بعث عراق بود. در مقابل، انقلاب اسلامی ایران و شعارهای آن جاذبهٔ بیشتری برای ملت‌های عرب [منطقه غرب آسیا] داشت و رقیبی سرسخت برای ایدئولوژی بعثی به شمار می‌آمد؛ ازاین‌رو صدام حسین ناچار بود برای



تحقق اهداف خود و تثبیت ایدئولوژی بعثی، به رویارویی با انقلاب اسلامی ایران و اصول و مبانی آن بپردازد.

۲. برقراری حاکمیت مطلق بر اروندرود

برخی معتقدند در میان عوامل مختلف آغاز جنگ تحمیلی، اختلاف ایران و عراق بر سر اروندرود، اصلی‌ترین عامل وقوع جنگ بوده است. درواقع مسئله اروندرود چند مرتبه به تیرگی روابط دو کشور و حتی قطع رابطه انجامید و دو کشور ایران و عراق تا مرز جنگ پیش رفتند؛ درنهایت عراق که در موضع ضعف بود، سال ۱۹۷۵ میلادی طی قرارداد «الجزایر»، خواسته ایران مبنی بر حاکمیت مشترک دو کشور بر اروندرود را پذیرفت. اما دولت عراق به‌ویژه صدام همواره به دنبال فرصتی برای لغو این قرارداد بود؛ چراکه او همواره در سخنرانی‌هایش پیش از جنگ و در جریان حمله به ایران، اعتراف می‌کرد که جنگ را برای لغو قرارداد «الجزایر» و استقرار دوباره حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود (شط‌العرب) آغاز کرده است.^۱

۳. تجزیه خوزستان از ایران و ضمیمه آن به خاک عراق

دولت عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تلاش‌های گسترده‌ای برای تجزیه استان خوزستان آغاز کرد.^۲ مشکلات موجود ناشی از انقلاب اسلامی و ضعف دولت مرکزی ایران، فرصت خوبی را برای

۱. جعفری ولدانی، اصغر، *کانون‌های بحران در خلیج فارس*، ص ۶۸.

۲. درودیان، محمد، «تجزیه خوزستان؛ هدف ناکام صدام در جنگ»؛ در:



دولت عراق فراهم کرد تا مطامح توسعه‌طلبانه خود درباره خوزستان را به اجرا گذارد. از همان روزهای نخست پیروزی انقلاب اسلامی، عراق حقایق تاریخی مربوط به خوزستان را تحریف کرد. این اقدام با چاپ فراوان نقشه‌های جغرافیایی جعلی همراه بود که در آن بخش‌هایی از سرزمین ایران، مانند خوزستان و بلوچستان از کشور تفکیک شده بودند. در یکی از این نقشه‌ها، تمام دامنه‌های جنوبی زاگرس و حتی مناطق سه‌هزارساله آریایی‌نشین، جزء منطقه «عربستان» بزرگ (شامل خوزستان و نواحی اطراف آن) آورده شده بود؛ بدین معنا که این محدوده می‌بایست از ایران جدا و ضمیمه عراق می‌شد.

۴. براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران

دولت بعثی عراق، هرگز تمایل خود برای سرنگون کردن دولت جمهوری اسلامی ایران یا تضعیف انقلاب اسلامی را پنهان نکرد. طه یاسین رمضان - معاون اول نخست‌وزیر و فرمانده ارتش خلقی عراق - در مصاحبه اختصاصی با روزنامه «الثوره»، ارگان رسمی حزب بعث در ژانویه ۱۹۸۰ اظهار کرد: «ما بر این نکته تأکید می‌کنیم که جنگ به پایان نخواهد رسید، مگر اینکه رژیم حاکم بر ایران به کلی منهدم شود».^۱ وی افزود: «هیچ کشوری در جهان قادر نیست بدون داشتن یک دولت قوی، متحدانی در محافل بین‌المللی، اقتصادی مطلوب، منابع مالی و تدارکات تسلیحاتی اقدام به جنگ نماید. جمهوری اسلامی ایران هیچ‌یک از این امتیازات را ندارد». ارزیابی آنان بر این

۱. منصوری لاریجانی، اسماعیل، تاریخ دفاع مقدس، ص ۹۳.



بود با تجاوزی سریع و قاطع، می‌توانند ایران را به زانو درآورند. بر همین اساس، صدام حسین در ژوئیه ۱۹۸۰ با اعتماد به پیروزی خود گفته بود: «رهبری ایران بر روی شکست ما حساب می‌کند و ما خواهیم دید که چه کسی پیروز خواهد شد».

۵. ایفای نقش ژاندارم منطقه

حاکمان وقت عراق باور داشتند پیروزی انقلاب اسلامی ایران تعادل قوا را در منطقه خلیج فارس به نفع عراق تغییر داد.^۱ این مسئله در سخنان عدنان خیرالله - وزیر دفاع عراق - به‌خوبی آشکار است. او می‌گوید: «عراق افسانه برتری ایران را در منطقه از میان برده است». سقوط شاه که ژاندارم غرب در خلیج فارس بود، خلأ قدرتی را در منطقه خلیج فارس به وجود آورد؛ حتی قبل از آن، آخرین نخست‌وزیر دوران شاهنشاهی ایران اعلام کرد ایران دیگر تمایلی به اجرای نقش ژاندارمی در خلیج فارس را ندارد. صدام حسین برای تثبیت نقش خود در جایگاه ژاندارم خلیج فارس، در بهمن ۱۳۵۸، اقدام به انتشار منشور ملی کرد. وی در این باره می‌گوید:

«به عقیده ما تعهد کشورهای خلیج به این منشور به عنوان تعیین‌کننده چارچوب کلی روابط فیما بین، امنیت خلیج را تأمین می‌کند. نگهبان امنیت خلیج، فرزندان خلیج و کشورهای آن هستند». از سوی دیگر، عراق با دامن‌زدن به نگرانی بی‌مورد کشورهای خلیج فارس از انقلاب اسلامی ایران، توانست آنها را به طرف خود جلب کند،

^۱. مجموعه نویسندگان دفتر حقوقی وزارت امور خارجه، *تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران*، ص ۷۸.



عراق را در جایگاه تنها سپر دفاعی در مقابل انقلاب اسلامی ایران ارائه دهد. سعدون حمادی در این باره گفته بود: «اگر عراق سقوط کند، پس از آن تمام کشورهای خلیج عربی (فارس) سقوط خواهند کرد».^۱

۶. رهبری جهان عرب

صدام حسین رؤیای رهبری جهان عرب را در سر می‌پروراند. از نظر ایدئولوژیکی، رسالت تاریخی حزب بعث ایجاد یک امپراتوری به رهبری این حزب بود. شعار حزب بعث، «امة عربية واحدة، ذات رسالة خالده: امت عربی واحد، رسالتی جاویدان» بود. از نظر حزب بعث، اعراب با وجود تقسیم به کشورهای مختلف، همیشه ملت واحدی را تشکیل می‌داده‌اند و اکنون نیز باید مرزهای بین کشورهای عربی از میان برداشته شود و اعراب دوباره ملت واحدی را شکل دهند.^۲ در واقع رسالت تاریخی حزب بعث، زنده کردن عظمت عصر جاهلیت اعراب و امپراتوری‌های امویان و عباسیان است؛ به همین دلیل، صدام جنگ عراق علیه ایران را قادسیه دوم یا قادسیه صدام نامید. صدام حسین در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ خطاب به مردم عراق گفت: «ما باید شمشیرهای علی، خالد و سعد ابن ابی‌وقاص را برای مبارزه با این گروه ستمگر و آموختن درس‌های تاریخی جدید به آنها، همانند نبرد باشکوه قادسیه از نیام درآوریم. نبرد باشکوه قادسیه، تکبر و خودخواهی خسرو پرویز را نابود کرد و موانع اسلام را از میان برداشت و بی‌دینی و نادانی و

۱. ادیبی، مهدی، «بررسی مراحل و تحولات جنگ تحمیلی»، ص ۴۵.

۲. S. Grummon, *The Iran Iraq War, Islam Embattled*, pp. ۵۰-۳۰.



تجاوز را در این منطقه ریشه کن کرد. ارتش دلیر ما نیز در زین القوس و سیف سعد همین کار را انجام خواهد داد».

۷. ادعاهای واهی درباره جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس

مقامات مسئول عراقی بارها در سخنان خود به جزایر سه گانه ایرانی یعنی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک اشاره می کردند و خواستار استرداد آنها شده بودند؛ اظهاراتی که از شش ماه قبل از آغاز تجاوز عراق به ایران افزایش یافت. مقامات عراقی افزون بر اینکه از ایران می خواستند مالکیت جزایر سه گانه را به آنها بدهد، عراق را متعهد به بازپس گرفتن این جزایر می دانستند. صدام حسین نیز طی مصاحبه ای درباره امکان بازپس گیری جزایر سه گانه و مورد دیگری که به آن اشاره نکرد، در تیرماه ۱۳۵۹ گفت: «اکنون توان بازپس گرفتن جزایر و امکان به دست آوردن موردی که آن را باز خواهیم گرفت، داریم؛ پس چه دلیلی وجود دارد که سکوت کنیم».^۱

نتیجه:

از جمله عوامل مختلفی در وقوع جنگ ایران و عراق مؤثر بود، عبارت اند از: اختلاف های تاریخی؛ تلاش عراق برای برقراری حاکمیت مطلق بر اروندرود؛ اقدام ارتش عراق به تصرف قسمتی از اراضی ایران در جبهه مرکزی؛ تصمیم رژیم عراق به تجزیه استان خوزستان از ایران و مطامع آن در مورد جزایر سه گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک؛ اهداف ارضی و مرزی عراق؛ تفاوت ایدئولوژیکی سیستم

۱. ر.ک به: درویشی سه تلانی، فرهاد، جنگ ایران و عراق، پرسش ها و پاسخ ها.



حکومتی دو کشور؛ جلوگیری از تحقق اهداف انقلاب اسلامی در ایران و تأثیر آن بر موج بیداری مردم منطقه و عراق و تهدید نظام حکومتی این کشور از سوی شیعیان عراق؛ سرنگون کردن دولت جمهوری اسلامی ایران؛ تلاش رژیم عراق برای عهده‌دارشدن ژاندارمی خلیج فارس و رهبری جهان عرب.

نگرانی دولت‌های منطقه از شرایط جدید ایران پس از انقلاب اسلامی و به‌مخاطره‌افتادن منافع و امتیازات دولت‌های بزرگ غربی در منطقه و از سوی دیگر، نوپایی حکومت جدید ایران و آماده‌نبودن قوای نظامی برای مقابله با حملات مرزی نیز در تصمیم‌گیری دولت بعث عراق برای حمله به ایران مؤثر بوده است.



۴. سیاست و عملکرد بنی‌صدر در جنگ

پرسش:

سیاست بنی‌صدر در جنگ چه بود؟ برخی معتقدند او خیانتکاری بود که با طرح تئوری «زمین بدهیم، زمان بگیریم»، سبب سقوط خرمشهر و حصر آبادان شد؛ همچنین او از دادن تسلیحات به سپاه پاسداران امتناع می‌کرد و همین امر، دفاع از کشور را با اختلال مواجه می‌کرد. اما بنی‌صدر مدعی شده بود تئوری «زمین بدهیم، زمان بگیریم» از سوی دیگران طرح شده بود و او مخالف این تئوری بوده است؛ همچنین مدعی نابلدی پرسنل سپاه در جنگ شده بود و سقوط خرمشهر و حصر آبادان را نتیجه نابلدی سپاه و بسیج مردمی دانسته است. واقعیت ماجرا چیست؟

پاسخ:

برخی معتقدند بنی‌صدر در آغاز جنگ با سیاست «زمین می‌دهیم و زمان می‌خریم»، می‌تواند جنگ را اداره کند؛ همین تئوری سبب سقوط خرمشهر و حصر آبادان شد. همچنین او با خودداری از واگذاری تسلیحات به نیروهای سپاه پاسداران، امر دفاع در کشور را با اختلال مواجه کرد؛ اما بنی‌صدر می‌گوید او مخالف این تئوری بود و سقوط خرمشهر و آبادان را نتیجه نابلدی نیروهای سپاه پاسداران می‌داند. واقعیت تاریخی در این باره چیست؟ توجه و پاسخ به چند نکته ضروری در این پرسش، مسئله را روشن می‌کند؛ از جمله اینکه آیا سیاست «زمین می‌دهیم و زمان می‌خریم» اصلاً وجود داشته است؟ بنی‌صدر به این تئوری معتقد بوده است؟ آیا بنی‌صدر از دادن تسلیحات به



سپاه امتناع می‌کرد؟ سقوط خرمشهر و حصر آبادان نتیجه نابلدی نیروهای سپاه بود؟

۱. بررسی سیاست «زمین می‌دهیم و زمان می‌خریم»

بررسی تاریخ آغاز جنگ و اشغال خرمشهر و حصر آبادان و نیز حضور بنی‌صدر در جایگاه فرماندهی کل قوا از بهمن ۱۳۵۸ تا خرداد ۱۳۶۰، نشان می‌دهد آنچه در عمل رخ داد و منجر به اشغال خرمشهر و حصر آبادان شد، مؤید فراهم‌شدن شرایط برای تحقق این نظریه بوده است. برخی از فرماندهان مقاومت خرمشهر و آبادان معتقدند تقاضای ارسال نیرو و تجهیزات از سوی آنها با وعده‌هایی همراه بود که هیچ‌گاه تحقق نیافت؛ این مسئله نشان می‌دهد سیاست «زمین می‌دهیم و زمان می‌خریم» در دستور کار کسانی قرار داشت که وظیفه اداره جنگ را بر عهده داشتند. در تماس تلفنی آیت‌الله جمی - نماینده امام خمینی (رحمة الله علیه) و امام جمعه آبادان و یکی از اسطوره‌های مقاومت در دوران دفاع مقدس - با دفتر امام خمینی (رحمة الله علیه) آمده است:

«آقای بنی‌صدر سه روز قبل به بنده اظهار داشتند که تا بیست و چهار ساعت دیگر من عمل می‌کنم؛ ولیکن تاکنون وضع به نفع ما عوض نشده و بدتر است و اگر امروز اقدامی



نشود، فوری و قاطع از طرف ارتش و سایر گروه‌ها و نیروها برای نجات عمل نشود، قطعاً سقوط جدی است».^۱

همچنین در نامه مفصل نه‌صفحه‌ای آیت‌الله محسن اراکی - از مسئولان (وقت) قضائی در آبادان و خرمشهر - به امام خمینی (رحمة الله علیه) گزارش شده است:

«هر چه به دفتر آقای بنی‌صدر و به سایر ارگان‌ها می‌گفتیم خرمشهر در شرف سقوط است، اثری مترتب نمی‌شد؛ تا بالاخره یک مهلت یک‌هفته‌ای و سپس مهلت ۷۲ ساعت و سپس مهلت ۴۸ ساعته برای فرستادن نیروهای کلی داده شد که هیچ‌یک از آنها عملی نگردید».^۲

نمونه‌های بسیاری از این گزارش‌ها وجود دارد که با مطالعه تاریخ دفاع مقدس می‌توان بدان دست یافت.

۲. بررسی اعتقاد بنی‌صدر به تئوری «زمین می‌دهیم و زمان می‌خریم»

در جستجوهای خود به مستندی دست نیافتیم که نخستین بار این تئوری از زبان بنی‌صدر بیان شده باشد؛ اما بنا بر گزارش‌های تاریخی،

^۱ . سایت خبری تحلیلی عصر ایران؛ در:

asriran.com/۰۰۳kBm.

گفتنی است در متن این خبر، تصویر برخی اسناد نیز منتشر شده است.

^۲ . ر.ک به: سایت خبری تحلیلی عصر ایران؛ در:

asriran.com/۰۰۳kBm .

گفتنی است در متن این خبر، تصویر برخی اسناد نیز منتشر شده است.



می‌توان گفت بنی‌صدر عمل به این تئوری را پذیرفته بود و بر اساس آن در آغاز جنگ به دنبال اداره آن بود. به نظر می‌رسد «بنی‌صدر اطلاعات دقیقی در مسائل دفاعی و نظامی نداشت و عمدتاً سرنوشت کار را به دست مشاورانی داده بود که نه آدم‌های کاردانی بودند، نه خیلی دلسوز بودند و نه به یک مقاومت مردمی و همه‌جانبه و ایستادگی مقابل دشمن اعتقاد داشتند».^۱ برخی آن زمان نظریه‌ای به بنی‌صدر داده بودند که ما می‌توانیم به دشمن «زمین بدهیم و زمان از آنها بگیریم»؛ به این معنا که اکنون آمادگی مقابله نداریم و اشکالی ندارد اجازه بدهیم نیروهای نظامی عراق در خاک ما گسترش پیدا کنند تا ما آمادگی لازم را به دست بیاوریم و بعد نیروها را با توانی بالا منهدم کنیم؛ همان‌گونه که برای مثال اشکانیان در جنگ‌های خود زمین می‌دادند و زمان می‌گرفتند. درواقع با یافتن استدلالی تاریخی برای بنی‌صدر و استناد به این استدلال تاریخی، ذهن او را مشغول کرده بودند.^۲

قدرت‌الله هزاهه که قبل از شروع جنگ در پادگان لشکر ۹۲ زرهی در مرز خدمت می‌کرد، می‌گوید: «یک بار ارتش عراق به بخشی از خاک‌مان حمله و قسمتی را اشغال کرد که ما در پاسخ، خودسرانه عمل کردیم و منطقه را بازپس گرفتیم. همان زمان دولت بنی‌صدر به این کارمان اعتراض کرد و به واحد ما که یک گروهان از گردان ۲۴۲

^۱. ر.ک به: «روایت نبرد خرمشهر، از اشغال تا آزادی»، خبرگزاری تسنیم؛ در:

<https://tn.ai/۲۰۱۷۳۶۴>

^۲. ر.ک به: «روایت نبرد خرمشهر، از اشغال تا آزادی»، خبرگزاری تسنیم؛ در:

<https://tn.ai/۲۰۱۷۳۶۴>



لشکر ۹۲ زرهی بود، اعلام کردند از منطقه برگردید و خودتان را به دادگاه معرفی کنید؛ چون لغو دستور کرده‌اید. به نظرم بنی‌صدر در حال خیانت به کشور بود. عراق حمله می‌کرد، منطقه‌ای را می‌گرفت و تا ما می‌خواستیم حمله کنیم، دستور عقب‌نشینی می‌آمد و اجازه درگیری به ما نمی‌دادند. ما هم همه ارتشی بودیم و قانون را می‌دانستیم و می‌گفتیم دلیل این عقب‌نشینی‌ها چیست؟ در جواب می‌گفتند می‌خواهیم "زمین بدهیم و زمان بگیریم". نمی‌دانم روی چه حسابی این تصمیمات را می‌گرفتند»^۱.

۳. مستندات تاریخی اعتقاد بنی‌صدر به سیاست «زمین می‌دهیم و زمان می‌خریم»

مجموع روایت‌ها و مستندات نشان‌دهنده پذیرفتن این تئوری از سوی بنی‌صدر است و بر اساس آن اقدام می‌کرد. نکته دیگری که نباید به‌سادگی از کنار آن گذشت، بی‌توجهی بنی‌صدر به تمامی هشدارهایی بود که درباره حمله احتمالی عراق به ایران داده می‌شد. بی‌توجهی او مبتنی بر تحلیل‌هایی نادرست شکل گرفته بود که سبب شد نیروهای نظامی ایران با وجود آگاهی از حمله زودهنگام ارتش عراق، آمادگی لازم برای مقابله با ارتش صدام را نداشته باشند. سردار شهید احمد متوسلیان، وضعیت مرزهای کشور در ماه آخر منجر به جنگ و تحلیل بنی‌صدر از اوضاع منطقه را این‌گونه تشریح می‌کند:

۱. رشیدی مهرآبادی، میثم، «ساده‌لوحی یا خیانت زمین بدهیم، زمان بگیریم»، پایگاه خبری تحلیلی

بصیرت، کد خبر: ۳۲۴۷۳۷؛ در:



«یک ماه قبل از شروع جنگ، جلسه‌ای در اتاق جنگ لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه به ریاست بنی‌صدر تشکیل شد. در این جلسه آقایان ظهیرنژاد و صیاد شیرازی به همراه فرماندهان ارتشی سی منطقه نظامی از استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و نیز برادران محسن رضایی و محمد بروجردی به اتفاق مسئولان سپاه در کل منطقه غرب حضور داشتند. در این جلسه، فرمانده سپاه قصر شیرین به وضعیت بسیار بد نیروهای ما در مرزها و حملات مکرر ارتش عراق به پایگاه‌های مرزی اشاره کرد و گفت دشمن در این منطقه از خیلی وقت پیش شروع به ساختن استحکامات نظامی کرده است و ما کمترین آمادگی رزمی را نداریم. درنهایت از بنی‌صدر سؤال شد که اگر به احتمال یک درصد عراق به ایران حمله کند، شما چه تدبیری برای دفاع دارید؟ بنی‌صدر گفت عراق هرگز جرئت چنین کاری را ندارد. بروجردی گفت اگر به احتمال یک‌ده‌هزار بخواند در غرب از طریق قصر شیرین حمله کند و شهر را بگیرد، شما برای مقابله با چنین مسئله‌ای چه تدبیری دارید؟ بنی‌صدر مجدداً گفت عراق هیچ‌وقت چنین غلطی نمی‌کند؛ برای اینکه هم در سطح بین‌المللی و سیاست جهان محکوم می‌شود و هم امنیت داخلی خودش به خطر می‌افتد. مطمئن باشید که صدام کشورش را به خطر نمی‌اندازد».^۱

۱. همان. همچنین ر.ک به: «چهار خیانت بنی‌صدر در دوران دفاع مقدس»، پایگاه مرکز اسناد انقلاب

اسلامی، کد خبر: ۷۲۱۴؛ در:



۴. خودداری بنی‌صدر از ارسال تسلیحات برای سپاه پاسداران

بر اساس شواهد تاریخی موجود، بنی‌صدر به سپاه و نیروهای مردمی بی‌اعتماد بود. سردار کوثری در این باره می‌گوید: «از آنجاکه بنی‌صدر نمی‌توانست وحدت و همدلی سپاه و ارتش را تحمل کند، بعد از گذشت سه ماه از آغاز جنگ تحمیلی، ضمن ابلاغ یک دستورالعمل مؤکد کتبی - که خودم نسخه‌ای از آن را دیده‌ام - به ارتش دستور داد: "بدون اخذ دستور از فرماندهی کل قوا، حتی یک عدد فشنگ هم نباید به سپاه تحویل داده شود". به این ترتیب ما از همان اندک تجهیزات سبک رزمی هم که برادران ارتشی در اختیارمان قرار می‌دادند، محروم شدیم».^۱ سردار جعفر جهروتنی‌زاده یکی از فرماندهان پارتیزانی دفاع مقدس نیز در این باره گفته است: «در مریوان و جاهای دیگر، بنی‌صدر به ارتش دستور داده بود به هیچ‌وجه به سپاه کمکی نشود؛ اما بسیاری از نیروهای ارتش در این زمینه حتی از دستور فرماندهان خود تمرد می‌کردند. به همین دلیل بنی‌صدر نامه‌ای تحت عنوان ابلاغ نظامی - به عنوان فرماندهی کل قوا - به ستاد مشترک ارتش ارسال کرد که طبق آن به ارتش دستور داده شده بود که حتی یک پوکه در اختیار سپاه قرار ندهید. بنی‌صدر با دستورات این‌چنینی سعی داشت سپاه را بیش از پیش محدود کند».^۲ سردار عبدالله محمودزاده نیز به این اقدام بنی‌صدر اشاره کرده است: «ما

^۱. «دستور عجیب بنی‌صدر در زمان جنگ»، پایگاه خبری مشرق، کد خبر: ۸۹۷۱۰؛ در:

mshrgh.ir/۸۹۷۱۰

^۲. «بنی‌صدر دستور داده بود حتی یک پوکه به سپاه ندهند»، پایگاه خبری فارس؛ در:

.۶۲۵۶۲n.ir/x۲B



در گیلان غرب و سرپل‌ذهاب که بخش‌هایی از آن در تصرف دشمن بود، قصد عملیات داشتیم و از طرفی هم امکانات نداشتیم. من می‌رفتم قرارگاه ارتش و با آنها جلسه می‌گذاشتم، از طرفی هم بچه‌ها می‌رفتند داخل انبار مهمات ارتش مهمات جنگی برمی‌داشتند. بنی‌صدر به ارتش گفته بود که به سپاه ادوات ندهید. ما این‌گونه مهمات جمع می‌کردیم. بعضی از عزیزان ارتشی هم با ما هماهنگ بودند و مهمات در اختیار ما قرار می‌دادند. وقتی ماجرا را بنی‌صدر می‌فهمید، ارتشی‌هایی را که با ما همکاری کرده بودند، مورد غضب قرار می‌داد.^۱ در خاطرات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز به این موضوع اشاره شده است که بنی‌صدر به بهانه‌های مختلف از دادن تجهیزات به سپاه خودداری می‌کرد.^۲ آیت‌الله عبدالله محمدی - امام جمعه وقت خرمشهر - نیز روایتی از این تصمیم و اقدام بنی‌صدر ارائه کرده است.^۳

۵. سقوط خرمشهر و حصر آبادان، نتیجه نابلدی نیروهای سپاه پاسداران یا سیاست‌های بنی‌صدر

آنچه تاریخ جنگ از ماه‌های آغازین آن روایت می‌کند، نشان‌دهنده نادرستی ادعای بنی‌صدر است. صدام در سودای تصرف سه‌روزه

۱. «تحریم سپاه توسط بنی‌صدر در جنگ تحمیلی»، پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد خبر: ۵۸۲۷؛ در: B2n.ir/r.۸۲۰۴

۲. ر.ک به: «چهار خیانت بنی‌صدر در دوران دفاع مقدس»، پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد خبر: ۷۲۱۴؛ در: B2n.ir/m.۹۵۴۰۹

۳. ر.ک به: احمدی، محمدرضا، خاطرات آیت‌الله عبدالله محمدی، ص ۱۵۴.



استان خوزستان بود، اما ۳۵ تا ۴۵ روز طول کشید تا شهر کوچک خرمشهر را به تصرف درآورد. این اتفاق، نشان‌دهنده مقاومت نیروهایی است که با وجود همه موانع، با دستان خالی در مقابل لشکر مجهز عراق ایستادگی کردند که به گواه تاریخ، نیروهای سپاه و مردمی، بخش درخور توجه و مهمی از این مقاومت به شمار می‌آمدند. بر اساس شواهد تاریخی آنچه از عوامل سقوط خرمشهر به حساب می‌آید، مواردی چون «آماده‌نبودن نیروهای نظامی»، «تئوری زمین می‌دهیم، زمان می‌گیریم»، «کارشکنی در رساندن تجهیزات به نیروهای مقاومت»، «نبود نیروی کافی» و امثال اینهاست که نمی‌توان نقش بنی‌صدر در جایگاه رئیس‌جمهور و جانشین فرمانده کل قوا را در بروز این حادثه نادیده انگاشت.

نتیجه:

با توجه به اسناد و شواهد مسلم تاریخی، روشن است که بنی‌صدر در عمل به تئوری «دادن زمین و گرفتن زمان» معتقد بود و همه تصمیم‌هایش در روزهای ابتدایی جنگ مبتنی بر همین تئوری نادرست بود. بی‌اعتمادی و ممانعت او از رسیدن تجهیزات به دست نیروهای سپاه برای مقاومت در مقابل دشمن نیز بر اساس شواهد تاریخی متعدد انکارناپذیر است.



۵. دلایل و عوامل تداوم جنگ پس از آزادی خرمشهر

پرسش:

آزادسازی خرمشهر یکی از اهداف اصلی ایران در دفاع مقدس بود؛ اما پس از آن جنگ تداوم یافت. برخی بر این باورند که شعارهای آرمانی ایران مانند «راه قدس از کربلا می‌گذرد»، عامل تداوم جنگ بود. دلیل اصلی ادامه جنگ تحمیلی بعد از آزادسازی خرمشهر چه بود؟

پاسخ:

طولانی‌شدن جنگ ایران و عراق، هزینه‌های جانی و مالی هنگفتی برای کشور در پی داشت. تداوم هزینه‌ها حتی برای یک روز تصورناپذیر است، چه رسد به هشت سال. این مهم، موجب بروز اختلاف‌هایی میان اهالی سیاست در تحلیل این موضوع شده است. بسیاری بر این باورند که ادامهٔ جنگ، نتیجه سیاست‌های اشتباه به‌ویژه رویکرد شعاری سردمداران انقلابی ایران بود که بدون توجه به دیدگاه‌های کارشناسان و عقلا، با اصرار بر شعارهایی مثل «راه قدس از کربلا می‌گذرد»، موجب تحمیل تداوم چنین خسارت‌هایی به ملت ایران شدند. حتی برخی ادعا کرده‌اند رسانه‌های غربی و عربی در کشاکش روزهای منتهی به فتح خرمشهر، اعلام می‌کردند که کشورهای عربی پذیرفته‌اند خسارتی بین ۳۰ تا ۵۰ میلیارد را برای غرامت پرداخت کنند.^۱ افزون بر اینکه پس از فتح خرمشهر در خردادماه سال ۱۳۶۱ و زمانی که ایران دست برتر را در جنگ داشت، باید جنگ به پایان

۱. «چرا جنگ ادامه یافت؟»، روزنامه اعتماد، ش ۵۴۹۱، چهارشنبه ۳ خرداد ۱۴۰۲، ص ۷.



می‌رسید. به‌واقع ما با سیاست‌های قابل دفاع مواجه هستیم یا پراشتباه؟ برای پاسخ به این پرسش و تحلیل چرایی طولانی‌شدن جنگ، توجه به نکاتی بایسته است.

۱. اهمیت نگرش تاریخی و همه‌جانبه به مسئله جنگ تحمیلی

در تاریخ تحلیلی یا تحلیل وقایع تاریخی، نمی‌توان بدون در نظر گرفتن شرایط آن دوران به نتیجه دقیقی دست یافت. اتمام یا ادامه جنگ، تصمیمی نبود که بتوان به‌سادگی روی آن متوقف شد و متغیرهای گوناگون را در رابطه با آن در نظر نگرفت؛ افزون بر اینکه اینک منطق نیست تصور کنیم ضرورتاً بهترین تصمیم، همان تصمیم مورد تصور ماست، بلکه با توجه به شواهد تاریخی و اصول علمی می‌توان به نتایج منطقی‌تری رسید. اتمام جنگ یا صلح، مسئله‌ای تک‌بعدی نیست، بلکه اتمام جنگ، مجموعه‌ای از تعیین تکلیف مسائل مهمی مانند آتش‌بس، شیوه و شرایط آن، عقب‌نشینی و شیوه و شرایط آن، تعیین متجاوز، تأمین خسارت‌های وارد شده، تأمین بعدی و ... است. برخلاف تبلیغات رایج، تمام این مسائل، یا مبهم یا به شکلی روشن، علیه منافع ایران بود.

۲. نقش قدرت‌های بزرگ و نهادهای بین‌المللی در طولانی‌شدن جنگ

در رابطه با آتش‌بس این مسئله مهم بود که شورای امنیت سازمان ملل و دیگر کشورها در زمانی که ایران دست برتر را داشت، بدون در نظر گرفتن شرایط و مصالح ایران، فقط به ضرورت آتش‌بس بسنده



می‌کردند. آیا آتش‌بس در شرایطی که عراق برخوردار از پشتیبانی بین‌المللی بود و ایران تازه به موفقیت‌های مهم عملیاتی رسیده بود، منطقی بود؟ مرزهای ایران در آن دوران تأمین نداشت؛ همچنین نقاطی در شلمچه، طلائی و طول مرز از فکه تا قصر شیرین در اشغال عراق بود. شهرهای سومار، نفت‌شهر و مهران نیز در اشغال دشمن بود؛ از این‌رو امکان آزادسازی این نقاط از راه مذاکره غیرمعمول به نظر می‌رسید و راهی جز ادامه جنگ وجود نداشت.

۳. شرایط پذیرش آتش‌بس از سوی جمهوری اسلامی ایران

شرط ایران برای صلح عبارت بود از شناسایی و تنبیه متجاوز و پرداخت غرامت از سوی عراق که این شرایط مقبول رژیم عراق و سازمان‌های بین‌المللی نبود. با توجه به حمایت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از عراق، ایران بدون ادامه جنگ و فشار نظامی بر عراق نمی‌توانست یا دست‌کم بعید بود بتواند از منافع ملی خود دفاع کند؛ چراکه هیچ ضمانتی برای کنترل عراق وجود نداشت؛ افزون بر اینکه برای ایران مشخص شده بود، صدام شخصیتی متجاوز و اعتمادناپذیر است. از سوی دیگر، روشن بود که ارتش عراق با کمک‌های گسترده بین‌المللی به سرعت ترمیم خواهد شد و با یافتن روحیه مجدد، به خاک ایران تجاوز خواهد کرد. این امر بعدها با تجاوز عراق به ایران پس از پذیرش



قطعه‌نامه^۱ و تجاوز به خاک کویت^۲، با وجود حمایت‌های جدی این کشور از عراق اثبات شد. درواقع اصرار حامیان صدام بر پایان جنگ در این برهه، ایجاد فرصت تجدیدقوا برای ارتش صدام و تدارک حملات بیشتر و مؤثرتر علیه ایران در آینده بود.

۴. تبیین معنای شعار «راه قدس از کربلا می‌گذرد»

شعار «راه قدس از کربلا می‌گذرد» شعاری برای توسعه و تداوم جنگ نبود، بلکه با هدف عکس آن یعنی گسترده‌نکردن جبهه جنگ ایران اعلام شد؛ به این معنا که وقتی پس از فتح خرمشهر و تجاوزات

۱. ارتش بعث عراق چهار روز پس از پذیرش قطعه‌نامه از سوی ایران، مجدد به ایران حمله کرد و آغازکننده تهاجم وسیعی در جنوب شد. نیروهای عراقی در دشت‌های جنوب و غرب اهواز خود را به جاده اهواز - خرمشهر رساندند و خرمشهر را دوباره تهدید کردند. حمله مجدد عراق که از روز ۳۱ تیر آغاز شد و تا دوم مرداد به طول انجامید، منجر به پیشروی سیکلومتری ارتش عراق در خاک ایران شد. محدود نیروهای ایرانی که در جبهه جنوب باقی مانده بودند، بلافاصله به اجرای عملیات‌های «دفاع سراسری» و «الغدیر» پرداختند که طی این دو عملیات ضمن متوقف کردن پیشروی دشمن پس از سه روز تجاوز، نیروهای ارتش بعث عراق را به پشت مرزهای بین‌المللی بازگرداندند. ارتش بعث عراق در روز سوم مرداد ۶۷ هم با نقض مجدد قطعه‌نامه، به مرزهای غربی کشور حمله کرد؛ اما این بار با هدف همراهی سازمان مجاهدین خلق به خاک ایران تجاوز کرد. نیروهای ارتش بعث عراق تا گردنه پاتاق (پس از شهر سرپل‌ذهاب) مجاهدین خلق را همراهی کردند که البته مجاهدین پس از چند کیلومتر پیشروی به دلیل ازدیاد خودروهای مردم در جاده اسلام‌آباد غرب، در تنگه چهارزبر به سد نیروهای نظامی برخورد کردند که با اجرای عملیات «مرصاد» از سوی نیروهای نظامی ایران، منافقین مجبور به فرار و عقب‌نشینی شدند (ر.ک به: شادانلو، جواد، «سرنوشت اراضی اشغالی ایران بعد از قطعه‌نامه ۵۹۸ چه شد؟»، پایگاه اینترنتی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۲۹ آذر ۱۴۰۰، <https://irdc.ir/>، ۸۷۰۰۰).

۲. تهاجم عراق به کویت، عملیاتی بود که حزب بعث در ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ برابر با ۲ اوت ۱۹۹۰ انجام داد و طی آن به کشور همسایه خود کویت حمله کرد و درنتیجه منجر به اشغال نظامی این کشور از سوی عراق به مدت هفت ماه شد. تهاجم و امتناع بعدی عراق از خروج از کویت در مهلت مقرر از سوی سازمان ملل متحد منجر به مداخله نظامی مستقیم ائتلاف نیروهای ملل متحد به رهبری ایالات متحده شد. این وقایع با عنوان جنگ اول خلیج فارس شناخته می‌شود و سرانجام منجر به اخراج اجباری نیروهای عراقی از کویت شد.



اسرائیل به لبنان، نیروهای تیپ محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله) به فرماندهی حاج احمد متوسلیان با تصمیم شورای عالی دفاع برای دفع حملات رژیم اسرائیل به جنوب لبنان، عازم لبنان شدند، امام خمینی (رحمة الله علیه) پس از اطلاع از این اقدام، به شدت با آن مخالفت و بر تمرکز بر جبهه عراق تأکید کردند^۱ و در اینجا بود که امام (رحمة الله علیه) فرمود «راه قدس از کربلا می‌گذرد»^۲.

نتیجه:

مجموعه شرایط پس از آزادسازی خرمشهر به گونه‌ای نبود که منافع ملی و امنیت ملی ایران را تضمین کند، بلکه منافع عراق هم در تداوم جنگ بود؛ بنابراین اساساً صلحی وجود نداشت تا ایران به آن تن دهد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد پذیرش هرگونه صلح در این برهه، به معنای ایجاد فرصت تجدیدقوا برای ارتش بعثی صدام برای تدارک حمله بزرگ‌تر و عمیق‌تر بود. کلمات کلیدی: امام خمینی، جنگ تحمیلی، قطعنامه ۵۹۸، دفاع مقدس، فتح خرمشهر.

^۱. بابایی، گل‌علی، در هاله‌ای از غبار، ص ۲۰۰.

^۲. «ما راه‌مان این است که باید از راه شکست عراق دنبال لبنان برویم ... ما می‌خواهیم که قدس را نجات بدهیم، لکن بدون نجات کشور عراق از این حزب منحوس نمی‌توانیم. ما لبنان را از خود می‌دانیم، لکن مقدمه اینکه لبنان را ما نجات بدهیم، این است که عراق را نجات بدهیم. ما مقدمه را رها نکنیم و بی‌ربط برویم سراغ ذی‌المقدمه و همه چیز خودمان را صرف کنیم در آن و عراق برای خودش محکم کند جای خودش را» (ر.ک به: مرندی، مهدی و داود سلیمانی، دفاع مقدس (جنگ تحمیلی) در اندیشه امام خمینی، ص ۱۲۷-۱۲۸).



منابع بیشتر جهت مطالعه:

۱. فرهاد درویشی سه‌تلانی و حمید فراهانی؛ جنگ ایران و عراق: پرسش‌ها و پاسخ‌ها؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۲. حسن حضرتی و هادی قیصریان‌فرد؛ «دلایل تدویم جنگ و ناکامی صلح پس از فتح خرمشهر در سال ۱۳۶۱»؛ فصل‌نامه علمی مطالعات دفاع مقدس، س ۶، ش ۱، پیاپی ۱۱، بهار ۱۳۹۹، ص ۸۵ - ۱۱۱.



۶. خیانت منافقین به ملت ایران در جنگ تحمیلی

پرسش:

نقش منافقین در مراحل مختلف جنگ چه بود؟

پاسخ:

سازمان موسوم به مجاهدین خلق که بعدها به منافقین شناخته شد، سالهاست به دلیل جنایت‌هایی که به اشکال مختلف در حق مردم ایران مرتکب شد، منفورترین گروه در میان مردم کشور ما شناخته می‌شود. مسائل مختلفی در شکل‌گیری انزجار عمومی علیه منافقین مؤثر بوده است؛ از جمله اقدامات منافقین در سال‌های جنگ تحمیلی یکی از این مسائل است. منافقین در مراحل مختلف جنگ تحمیلی چه نقشی ایفا کرده‌اند که در کنار سایر اقدامات، مردم ایران را از آنها منزجر کرده است؟

۱. معرفی اجمالی سازمان مجاهدین خلق

سازمان مجاهدین خلق یا منافقین در سال ۱۳۴۴ را تعدادی از شاگردان مهندس بازرگان که در دهه سی در نهضت مقاومت ملی و سپس در نهضت آزادی تجربه سیاسی اندوخته بودند، پایه‌گذاری کردند.^۱ فعالیت‌های این سازمان در عمر خود با نشیب‌وفرازهای بسیاری همراه بوده است؛ تغییر ایدئولوژی در سال ۱۳۵۴ یکی از این وقایع بود که با مقاومت برخی از اعضای سازمان همراه و درنهایت به جدایی از

^۱. جعفریان، رسول، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)*، ص ۴۶۸.



سازمان منتهی شد.^۱ این سازمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به مرور به تقابل با جمهوری اسلامی پرداخت و پس از عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا، سران آن به فرانسه گریختند. سازمان منافقین با آغاز جنگ تحمیلی، موضعی فریب کارانه اتخاذ کرد و در اعلامیه‌های ابتدایی خود ضمن محکوم کردن تجاوز عراق، حضور نیروهای خود در جبهه‌های جنگ را به خواست مقامات کشور منوط دانست؛^۲ در حالی که مسعود رجوی فرمانده این سازمان از نخستین سال سکونت در فرانسه، کوشید از طریق پیام‌ها و مصاحبه‌هایش به دولت مردان عراق بفهماند که او می‌تواند با زیاده‌خواهی‌های عراق همراهی کند و حتی تا جایی پیش رفت که در آذرماه سال ۱۳۶۰ در مصاحبه با مجله «الوطن» عربی، اروندرود را متعلق به عراق معرفی کرد و به جای اروندرود، هماهنگ با عراق، واژه «شط العرب» را به کار برد؛^۳ «مشکل شط العرب ظاهر قضیه است. مشکل اصلی،

۱. ر.ک به: جعفریان، رسول، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (۱۳۳۰ - ۱۳۵۷)*، ص ۵۰۶ - ۵۱۸.

۲. «منافقین در طول جنگ تحمیلی چه فعالیت‌هایی داشتند؟»؛ خبرگزاری تسنیم؛ در: <https://tn.ai/.۲۱۰۲۰۹۸>

همچنین ر.ک به: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی؛ «نقش منافقین در جنگ تحمیلی»؛ در: <https://psri.ir/?id=vfdq۴۳pysu>.

۳. «منافقین در طول جنگ تحمیلی چه فعالیت‌هایی داشتند؟»؛ خبرگزاری تسنیم؛ در: <https://tn.ai/.۲۱۰۲۰۹۸>

همچنین ر.ک به: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی؛ «نقش منافقین در جنگ تحمیلی»؛ در: <https://psri.ir/?id=vfdq۴۳pysu>.



تهدیدهای [امام] خمینی برای صدور انقلاب به خارج است که باعث بروز جنگ شده است. به نظر ما، شطالعرب متعلق به عراق است»^۱.

۲. زمینه‌های همکاری سازمان منافقین با رژیم بعث عراق

سازمان منافقین به رهبری مسعود رجوی که همه مراحل اعم از تحریم انتخابات، مخالفت قانونی، ایجاد تشنج، ضرب‌و شتم مخالفان و درنهایت عملیات مسلحانه و ترورهای کور را آزموده بود، برای دستیابی به قدرت، به آخرین مرحله یعنی مزدوری بیگانگان وارد شد؛ مرحله‌ای که برگشت‌ناپذیرترین راه در پیشگاه خلقی بود که آنها داعیه نمایندگی‌شان را داشتند.^۲ درنهایت پیام‌هایی که مسعود رجوی به طرق مختلف برای دولت عراق فرستاد، زمینه را برای ملاقات او با طارق عزیز^۳ فراهم کرد. پس از ملاقات مسعود رجوی و طارق عزیز، کشور عراق به عمده‌ترین مرکز فعالیت سازمان منافقین تبدیل شد. سازمان از همکاری با حکومت عراق، به دنبال اهدافی بدین ترتیب بود:

اول: از نظر سازمان، به دلیل گستردگی مرز ایران و عراق، بهترین و آسان‌ترین مسیر برای نفوذ به داخل ایران، مرزهای عراق بود؛ دوم: سازمان با استفاده از کمک‌های تسلیحاتی و مالی عراق می‌توانست توان مبارزه خود با جمهوری اسلامی را افزایش دهد.

۱. ر.ک به: «نقش سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در جنگ ایران و عراق»؛ در:

<https://B2n.ir/s/۲۱۳۷۷>

۲. ر.ک به: «نقش سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در جنگ ایران و عراق»؛ در:

<https://B2n.ir/s/۲۱۳۷۷>.

۳. معاون نخست‌وزیر عراق و مشاور نزدیک صدام حسین.



دولت عراق نیز علاقه‌مند بود با حمایت از سازمان منافقین، از شبکه فعالان و حامیان این سازمان در داخل ایران برای اجرای عملیات‌های خراب‌کارانه، ترور شخصیت‌ها، کسب اطلاعات و آگاهی از اوضاع نظامی و اقتصادی کشور و تضعیف اراده مردم برای مشارکت در جبهه‌های جنگ بهره‌برداری کند.

بر این اساس، سازمان منافقین هفده پایگاه در خاک عراق و نزدیک مرزهای ایران تأسیس کرد؛ مهم‌ترین این پایگاه‌ها یعنی پادگان اشرف، در صدکیلومتری شمال غربی بغداد واقع شده بود.^۱ همکاری سازمان منافقین با دولت بعثی عراق به اندازه‌ای قدری عمیق و گسترده شد که آنها به عنوان نیروی وابسته به دولت عراق، در کشتار مردم عراق و سرکوب انتفاضه شعبانیه^۲ در سال ۱۳۶۹ حضور پررنگی داشتند.

۳. مرور اجمالی خیانت‌های سازمان مجاهدین به ملت ایران در جنگ تحمیلی

آنچه پس از طرح این مقدمه با توجه به پرسش طرح‌شده باید بدان پاسخ دهیم، نقشی است که منافقین در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ایفا کردند. همان‌طور که بیان شد، سازمان منافقین با آغاز جنگ تحمیلی، در کنار دولت عراق قرار گرفتند و همچون نیرو و بازویی برای حکومت بعث ایفای نقش کردند و اقداماتی علیه مردم ایران انجام دادند که برخی از مهم‌ترین موارد به این ترتیب است:

^۱. «نقش سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در جنگ ایران و عراق»؛ در:

<https://B2n.ir/s21377>

^۲. قیامی که در آن چهارده استان از هجده استان عراق به دست نیروهای مردمی افتاد.



الف) انجام عملیات‌های ترور و خراب‌کاری: ترور شخصیت‌های سیاسی و نظامی مؤثر در روند پیروزی انقلاب و جنگ، از جمله بمب‌گذاری در دفتر نخست‌وزیری و شهادت رئیس‌جمهور محمدعلی رجائی و نخست‌وزیر محمودجواد باهنر در ۸ شهریور ۱۳۶۰ و ترور تعدادی از فرماندهان نظامی در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها.

ب) جاسوسی: جاسوسی به نفع دشمن بعثی و ارائه اخبار و اطلاعات مراکز مهم نظامی و صنعتی که به بمباران این مراکز از سوی دشمن منتتهی می‌شد؛ همچنین ارائه اخبار و اطلاعات درباره جنگ و شیوه عمل رزمندگان اسلام و زمان و مکان عملیات‌ها به ارتش عراق. از سوی دیگر اینان در جایگاه بازوی مهم نیروهای نظامی عراق، در بیشتر شنودهایی که از بی‌سیم‌های نیروهای ایرانی انجام می‌گرفت، حضور داشتند.^۱

ج) فعالیت تبلیغاتی مسموم: اینان از طریق رادیوی اختصاصی خود در عراق برای درهم‌شکستن اراده مردم و رزمندگان در جبهه‌های جنگ به نفع رژیم بعث فعالیت‌های تبلیغاتی مسموم انجام می‌دادند.^۲

د) شایعه‌سازی: پخش شایعه در پشت جبهه برای تضعیف روحیه مردم و تحت‌الشعاع قراردادن حمایت‌های مردم از جبهه‌ها و تبلیغات سوء علیه جمهوری اسلامی ایران در سطح جهانی، برای ضربه‌زدن به وجهه

۱. ر.ک به: سیداسماعیلی، سیدحجت، خداوند اشرف از ظهور تا سقوط، ۶۶۲-۶۶۶.

۲. «نقش سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در جنگ ایران و عراق»؛ در:



بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران نیز اقدام دیگر سازمان منافقین بود.^۱

ه) شرکت در عملیات‌ها: انجام عملیات‌های کلاسیک با عنوان سازمان مجاهدین خلق، مثل عملیات آفتاب، چلچراغ (مهران) و فروغ جاویدان؛ همچنین اقدام به عملیات‌های گردانی^۲ و عملیات‌های تپه‌زنی^۳ از دیگر اقدامات نظامی سازمان منافقین بود.^۴

نتیجه:

سازمان مجاهدین خلق که بعدها به دلیل رفتارهایش از سوی مردم سازمان منافقین لقب گرفت، در دوران جنگ تحمیلی همچون بازویی مفید برای دولت عراق ایفای نقش کرد و با نزدیک شدن به دشمن مردم ایران، بر نفرت مردم به خودش افزود. این سازمان برای اینکه

۱. «منافقین در طول جنگ تحمیلی چه فعالیت‌هایی داشتند؟»، خبرگزاری تسنیم؛ در:

<https://tn.ai/.۲۱۰۲۰۹۸>

۲. تعدادی از نیروهای مسلح منافقین با حمایت تسلیحاتی و لجستیکی ارتش عراق به مواضع نیروهای ایرانی هجوم می‌آوردند و بلافاصله اقدام به ترک محل درگیری می‌کردند. از این شیوه با عنوان شیوه تکامل‌یافته جنگ‌های چریکی و شهری یاد می‌شد.

۳. طبق استراتژی جدید کار در جبهه، گروهان‌های رزمی تازه تشکیل‌شده منافقین باید کار نظامی خود را (به قول رجوی) از اولین تپه و ارتفاعی که در جبهه‌ها پیش‌رو دارند، شروع کنند تا با زدن این تپه‌ها برای عملیات‌های بزرگ‌تر آماده شوند. رجوی در این دوره به دنبال دو هدف بود؛ اول: آمادگی ذهن نفرت برای کار در جبهه‌های عراق و همکاری با آنها؛ دوم: مسئولان سازمان به‌خوبی می‌دانستند نیروهای کلت‌به‌دست جنگ چریک شهری، نمی‌توانند یک‌دفعه در جنگی کلاسیک شرکت کنند و به این امر نیز واقف بودند که چنین ذهنیتی باعث افت روحیه نیروهای این گروهک می‌شود؛ از این‌رو با طرح عملیات‌های کوچک در خط مقدم (تپه‌زنی) درصدد روحیه‌دادن و امکان‌پذیرکردن این عملیات در اذهان رزمندگان برآمدند (محمدی، سعید، «ده خدمت منافقین به صدام در جنگ تحمیلی»، روزنامه فرهیختگان، <http://fdn.ir/>، ۲۲۱۸۰).

۴. سیداسماعیلی، سیدحجت، *خداوند اشرف از ظهور تا سقوط*، ص ۶۷۴-۶۷۹. سعید محمدی؛ «ده

خدمت منافقین به صدام در جنگ تحمیلی»، روزنامه فرهیختگان؛ در:

<http://fdn.ir/.۲۲۱۸۰>



بتواند از مواهب نزدیکی به صدام و دولت عراق به‌خوبی بهره‌مند شود و توان نظامی خود را برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران افزایش دهد، اقداماتی همچون ترور و خراب‌کاری، جاسوسی، فعالیت تبلیغاتی مسموم، شایعه‌سازی و حتی شرکت مستقیم در عملیات علیه خاک و نیروهای نظامی ایران انجام داد و این‌چنین نام خود را در تاریخ جنگ هشت‌ساله ایران در جایگاه سازمانی خیانتکار به مردم و سرزمینش ثبت کرد.



۷. موضع امام خمینی در برابر پیشنهاد صلح و آتش بس

پرسش:

موضع امام خمینی (رحمة الله علیه) در قبال پیشنهادهای صلح و قطعنامه شورای امنیت و پرداخت غرامت چه بود؟

پاسخ:

هشت سال دفاع مقدس در مقابل جنگ تحمیلی ایادی استکبار بر انقلاب اسلامی نوپای ایران، با هدایتها و رهبریهای داهیانه امام خمینی (رحمة الله علیه)، در نتیجه به پیروزی رزمندگان اسلام منجر شد. یکی از نکات مهم تاریخ جنگ ایران و عراق، واکنشهای حضرت امام (رحمة الله علیه) به پیشنهادهای صلح (توقف جنگ) و در نهایت پذیرش شروط قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت است که ایشان از آن به «جام زهر» تعبیر کردند. افزون بر این موضوع، پرونده پرداخت غرامت به ایران (چراکه عراق آغازگر جنگ، شناسایی و محکوم شده بود) همچنان مسکوت مانده است و حضرت امام (رحمة الله علیه) در این باره دیدگاههایی داشته‌اند.

۱. واکنش امام خمینی (رحمة الله علیه) به پیشنهادهای صلح و توقف جنگ

امام خمینی (رحمة الله علیه) اعتقاد داشتند و بیان می‌کردند ما نه تنها با عراق، بلکه با هیچ کشوری سر جنگ و دعوا نداریم؛ از این رو بارها علاقه خود به گسترش صلح در دنیا را اعلام داشتند و می‌فرمودند:



«ما دنبال این هستیم که دنیا در صلح و آرامش باشد».^۱

همچنین می‌فرمایند:

«ما صلح می‌خواهیم، ما با همهٔ مردم دنیا صلح می‌خواهیم

باشیم، ما می‌خواهیم مسالمت با همهٔ دنیا داشته باشیم».^۲

با توجه به این موضوع، این پرسش مطرح می‌شود که چرا جمهوری اسلامی و در رأس آن امام راحل (رحمة الله علیه)، تا قبل از پذیرش قطع‌نامهٔ ۵۹۸ شورای امنیت، بارها دست رد به سینه کشورها، هیئت‌ها و شخصیت‌های سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی می‌زدند که خواستار برقراری صلح بین دو کشور ایران و عراق بودند؟ هرچند این نکته واقعیت دارد که امام (رحمة الله علیه) به تمامی هیئت‌هایی که نقش میانجی داشتند یا پیام می‌فرستادند، پاسخ منفی می‌دادند؛ ولی باید توجه داشت بیشتر آنچه از طرف آنان مطرح می‌شد، نه اصول صلحی شرافتمندانه، بلکه صلحی تحمیلی بود. ایشان در جواب پیشنهادهای مختلف صلح می‌فرمایند:

«مصلحه با جنایتکار و سازش با جنایتکاران، این یک جنایتی

است بر مردم متعهد و یک جنایتی است بر اسلام».^۳

بنابراین امام خمینی (رحمة الله علیه) از آنجاکه صدام و حامیان آن را مخالف اسلام و قصدشان را تحمیل صلحی ناخواسته بر ایران می‌دانستند، هرگونه صلح با آنها را جنایت می‌دانستند و معتقد بودند باید تا آخر با آنها جنگید، وگرنه پذیرش صلح با آنها مصلحه با کفر

۱. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۰۵.

۲. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۲۳.

۳. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۸۸.



به شمار می‌آید. امام خمینی (رحمة الله علیه)، در نهایت با رد ادعاهای صلح طلبی صدام، بر صلح شرافتمندانه اسلامی تأکید می‌کنند و آن را صلحی می‌دانند که در درجه اول، طرف خاطی مجازات شود، سپس طرفین بسیار به هم نزدیک و برادر شوند؛ ولی صدام که هیچ اعتمادی به او نیست و هر لحظه ممکن است که بعد از صلح، با بهتر شدن شرایطش باز به ایران حمله کند، صلح با او معنا ندارد؛ زیرا به فرموده حضرت امام (رحمة الله علیه):

«اگر مهلت داده بشود به این خبیث، آن روزی که مهلت پیدا کند و تجهیز قوا بکند، بدتر از اول به سرزمین شما حمله می‌کند. آنها صلح آمریکایی می‌خواهند و ما صلح اسلامی می‌خواهیم»^۱.

۲. واکنش امام خمینی (رحمة الله علیه) به قطع نامه ۵۹۸

هشتمین قطع نامه‌ای که شورای امنیت سازمان ملل از ابتدای جنگ تحمیلی به ایران صادر کرد، قطع نامه ۵۹۸ بود. به دنبال گسترش دامنه جنگ و افزایش نگرانی‌های شورای امنیت و کشورهای دیگر به ویژه کشورهای منطقه و حامیان عراق، قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت در تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۸۷ (۲۹ تیر ۱۳۶۶) در جلسه شورای امنیت تصویب رسید.^۲ از مفاد مثبت این قطع نامه می‌توان به مواردی از این قبیل اشاره کرد: درخواست آتش بس فوری، بازگشت به مرزهای

۱. خمینی، سیدروح الله، صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۶۹.

۲. پارسادوست، منوچهر، نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، ص ۶۷۶.



تعیین‌شده بین‌المللی، استرداد اسیران، کمک به بازسازی مناطق جنگی و ...^۱. حضرت امام (رحمة الله علیه) ضمن جام زهر خواندن^۲ قبول قطع‌نامه، دلیل پذیرش آن را تغییر شرایط بیان کردند؛ ولی به دلیل مصالحی از ذکر آن خودداری و اظهار امیدواری کردند که در آینده روشن شود. ایشان دربارهٔ چون‌وچراهای پذیرش قطع‌نامه فرمودند:

«در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند. هرچند این مسئله به‌خودی‌خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست».^۳

در وهله دوم، ایشان در توضیح برای مردم، علت پذیرش قطع‌نامه را مصلحت نظام و انقلاب و عمل به تکلیف الهی می‌دانند و با اعلام نارضایتی خود از این تصمیم، اعلام می‌دارند:

«در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد، تکلیف الهی بود ...؛ اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود».^۴

ایشان در ادامه، از یک طرف پذیرفتن قطع‌نامه را بر اساس نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور می‌دانند؛ از سوی دیگر، با اعلام اعتماد خود به مسئولان، از مردم می‌خواهند از سرزنش آنان خودداری کنند:

۱. ولایتی، علی‌اکبر، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۵۳-۲۵۸.

۲. «من باز می‌گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است؛ ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم» (خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۵).

۳. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۴.

۴. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۵.



«گمان نکنید که من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم. مسئولین مورد اعتماد من می‌باشند. آنها را از این تصمیمی که گرفته‌اند شماتت نکنید که برای آنان نیز چنین پیشنهادی سخت و ناگوار بوده است».^۱

۳. تأکید امام خمینی (رحمة الله علیه) بر پرداخت غرامت جنگ تحمیلی به ایران

مسئله دیگری که امام خمینی (رحمة الله علیه) در جایگاه یکی از شروط پذیرش آتش‌بس بر آن تأکید داشتند، خسارت‌های وارد شده بر ایران بود؛ از این‌رو بیان می‌دارند:

«مسئله دوم، مسئله خسارت‌هایی است که وارد کردند. قضیه جبران خسارت یک جهت مادی دارد، یک جهت سیاسی و معنوی. جهت مادی‌اش گرچه زیاد است برای ما، این‌طوری که همه شهرها را خراب کرده‌اند و هرچه ما داشتیم به هم زده‌اند و البته جوان‌های ما هر دانه‌ای ارزش همه لشکر آنها را داشت و از دست ما گرفته شدند اینها؛ ارزش مادی قضیه خیلی زیاد نیست، عمده ارزش معنوی است و ارزش سیاسی مسئله».^۲

امام خمینی (رحمة الله علیه) بر ابعاد مادی و معنوی خسارت تأکید می‌کردند و معتقد بودند رژیم عراق باید در پی جبران آنها باشد. با وجود اینکه حضرت امام (رحمة الله علیه) به جبران خسارت‌ها تأکید می‌دارند، آن‌گونه که از اظهارات مقامات سیاسی و نظامی کشورمان

۱. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۶.

۲. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳۱۷.



برمی‌آید، در زمان فعلی اخذ غرامت از کشور عراق هم به مصلحت نبوده و هم مقدور نیست. کمال خرازی - وزیر امور خارجه سابق - در گفتگویی تأکید کرده بود بر اساس قطع‌نامهٔ ۵۹۸، ایران توانایی دریافت غرامت را ندارد. او در گفتگو با ماه‌نامهٔ «مدیریت ارتباطات» با بیان اینکه با قطع‌نامهٔ ۵۹۸ نمی‌توان از عراق غرامت گرفت، افزود: «شورای امنیت که تحت سلطه آمریکا و سایر کشورهای بود که در دوران جنگ به صدام کمک می‌کردند، اقدامی در برابر گزارش دبیرکل انجام نداد؛ درحالی‌که گرفتن غرامت نیاز به صدور قطع‌نامهٔ دیگری داشت که با اشاره به گزارش دبیرکل، عراق را موظف به پرداخت غرامت کند». سردار حسین علایی - فرماندهٔ سابق نیروی دریایی سپاه - نیز پیش از این در گفتگویی، دیدگاهی مشابه با خرازی را محتاطانه مطرح می‌کند و می‌گوید: «در قطع‌نامهٔ ۵۹۸ به چگونگی پرداخت غرامت و خسارت ناشی از تجاوز عراق به ایران اشاره‌ای نشده است و تکلیف آن نامشخص است»^۱؛ «با این همه، جمهوری اسلامی هیچ‌وقت موافقت خود را با بخشش غرامت اعلام نکرده و تنها مراعات شرایط خاص کشور عراق را کرده است»^۲.

۱. «غرامت جنگ تحمیلی؛ سرنوشت نامعلوم حق هشت‌ساله ایرانی‌ها»؛ کد خبر ۳۱۴۵۵۷، پایگاه خبری خبرآنلاین؛ در:

khaboronline.ir/x۴Hy.

۲. اردستانی، حسین، «ایران هیچ‌گاه موافقت خود را با بخشش غرامت جنگ اعلام نکرده است»؛ خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۲ ش.



نتیجه:

حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) جنگ ایران و عراق را جنگ کفر و اسلام می‌دانستند و هرگونه صلح تا قبل از قبول قطع‌نامه ۵۹۸ را رد می‌کردند. ایشان معتقد بودند صدام به دنبال صلح واقعی نیست و هر لحظه ممکن است دوباره سازوبرگ نظامی فراهم آورد و به ایران حمله کند؛ از این رو به دنبال تنبیه متجاوز بودند. در نهایت حضرت امام (رحمة الله علیه) با سنجیدن شرایط کشور و با ملاحظه دیدگاه‌های فرماندهان جنگ و کارشناسان سیاسی، اقتصادی و نظامی کشور، قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت را قبول کردند. ایشان به جبران خسارت‌های جنگ از سوی صدام و دولت آن زمان عراق تأکید داشتند؛ اما از آنجاکه سازوکار مشخصی در قطع‌نامه ۵۹۸ برای وصول غرامت‌های ایران دیده نشده بود، پیگیری پرونده پرداخت غرامت به ایران مسکوت مانده است.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

فرهاد درویشی سه‌تلانی؛ «سیره عملی امام در مواجهه با قطع‌نامه ۵۹۸»؛ کد مطلب: ۸۲۶۸۴، پرتال امام خمینی (رحمة الله علیه)؛ در: <https://p2.41587n.ir>



منابع:

۱. احمدی، محمدرضا، *خاطرات آیت‌الله عبداللّٰه محمدی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲ش.
۲. ادیبی، مهدی، «بررسی مراحل و تحولات جنگ تحمیلی»، نشریه نگین، س ۶، ش ۲۱، ۱۳۸۶ش.
۳. بابایی، گل‌علی، *در هاله‌ای از غبار*، تهران: انتشارات صاعقه، ۱۳۹۱ش.
۴. پارسادوست، منوچهر، *نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران*، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۱ش.
۵. جعفری ولدانی، اصغر، *کانون‌های بحران در خلیج فارس*، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۷ش.
۶. جعفریان، رسول، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (۱۳۲۰ - ۱۳۵۷)*، چ ۳، تهران: علم، ۱۳۸۹ش.
۷. خمینی، سیدروح‌الله، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا.
۸. درویشی سه‌تلانی، فرهاد، *جنگ ایران و عراق*، پرسش‌ها و پاسخ‌ها؛ چ ۲، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۹. سیداسماعیلی، سیدحجت، *خداوند اشرف از ظهور تا سقوط*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳ش.
۱۰. طالع، هوشنگ، *قرارداد الجزایر و پیامدهای آن*، لنگرود: نشر سمرقند، ۱۳۸۷ش.



۱۱. مجموعه نویسندگان دفتر حقوقی وزارت امور خارجه، تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۶۱ش.

۱۲. مرندي، مهدي و داود سلیمانی، دفاع مقدس (جنگ تحمیلی) در اندیشه /امام خمینی، چ ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲ش.

۱۳. منصوری لاریجانی، اسماعیل، تاریخ دفاع مقدس، قم: انتشارات خادم‌الرضا (ع)، ۱۳۸۲ش.

۱۴. نایب‌پور، محمد و سیروان خسروزاده؛ «قرارداد ۱۹۷۵ /الجزایر از زمینه‌ها تا پیامدها»؛ فصلنامه علوم فنون مرزی، ش ۹، تابستان ۱۳۹۳ش.

۱۵. ولایتی، علی‌اکبر، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، چ ۸، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲ش.

۱۶. S Grummon, *The Iran Iraq War, Islam Embattled*, Washington, D.C: Preager, ۱۹۸۲.



دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم

اشاره کردید که چند میلیون سؤال از شما شده است، غالباً خیلی از سؤال کنندگان جوان‌ها و دانشجویان هستند. این کار خوبی است، البته این سنتی بوده که از قبل در حوزه وجود داشته است. ممکن است یک نفر سؤال کند اما این سؤال در ذهن هزار نفر باشد توصیه من در مورد این سؤال‌ها این است که اینها را تدوین کنید، چاپ کنید و به شکل‌های خوب در اختیار جوان‌ها و دانشجویان بگذارید و بگویید این سؤال‌ها شده، جواب‌هایش اینها است؛ به نظر یکی از کارهای واجب این است.

